

Unit 8

دسترسی

دسترسی حق ورود یا استفاده از چیزی است
مدیر تنها شخصی بود که به رمز ورود دسترسی داشت

سلوک

سلوک روشی است که شخصی عمل می کند
او به دلیل رفتار بدش مجازات شد

مقدار ثابت

وقتی یک رویداد یا یک عمل ثابت باشد ، خیلی زیاد یا تمام وقت اتفاق می افتد
تلویزیون در خانه دائماً استفاده می شود

ترک

ترک یک فضای باریک بین قسمتهای چیزی شکسته است
پنجره قدیمی با ترک پوشیده شده بود

دستگاه

دستگاه یک شی یا ماشین است
دماسنج دستگاهی است که دما را بیان می کند

محصور کردن

محصور کردن چیزی ، حاوی آن است
گاوها در مزرعه توسط حصار محصور شده بودند

گرفتن

گرفتن چیزی به معنای محکم نگه داشتن آن است
من ترسیده بودم ، بنابراین دست خواهر بزرگترم را گرفتم

مکث

مکث، توقف حرکت است
این جنایتکار با دیدن آمدن پلیس متوقف شد

قریب الوقوع

اگر چیزی قریب الوقوع باشد ، به زودی اتفاق می افتد
دانش آموز از آزمون قریب الوقوع خود نگران بود

نفوذ

تأثیرگذاری بر روی شخصی یا چیزی به معنای نفوذ بر او است
دوستم بر تصمیم من برای حضور در دانشگاه تأثیر گذاشت

قانون

قانون قانونی است که توسط نهاد قانونگذار وضع می شود

دانشجویان در طول کلاس مطالعات اجتماعی با قوانین مختلفی آشنا شدند

حالت

حالت یک تنظیم یا شرط در دستگاه است

مادر در حالی که با تلفن صحبت می کرد تلویزیون را به حالت ساکت تبدیل کرد

عرق کردن

عرق کردن یعنی عرق کردن

وقتی تمرین می کنم معمولاً زیاد عرق می کنم

جایگزین کردن

جایگزینی چیزی قرار دادن آن به جای چیز دیگری است

لاستیک ماشینم را تعویض کردم چون صاف بود

ضربه محکم و ناگهانی

ضربه محکم و ناگهانی چیزی به معنای شکستن ناگهانی آن است ، که باعث صدای بلند می شود

چوب را گرفتم و با دستانم ضربه محمکی را زدم

حیله گر

اگر شخصی یا حیوانی حیله گر باشد ، او دزدکی کار است یا در فریب مردم مهارت دارد

روباه حیله گر تخمها را از لانه دزدید

تمایل

تمایل به انجام کاری این است که احتمالاً آن را انجام دهید یا مرتباً آن را انجام دهید

مادرم تمایل دارد که هر کریسمس هدیه مناسب را برای من بخرد

معتبر

وقتی چیزی معتبر است ، درست است یا مبتنی بر استدلال خوب است

نظر کارشناس در این زمینه از نظر دیگران معتبرتر بود

نسخه

نسخه ، روایتی از چیزی است که اندکی با نسخه اصلی متفاوت است

وی برای دانشجوی به انگلیسی داستان افسانه چینی خواند

به هر حال

شما برای تأکید بر اینکه چیزی از آن چیز وجود ندارد ، از هر آنچه بعد از یک اسم استفاده می کنید استفاده می کنید

پسر هیچ ایده ای در مورد چگونگی حل مسئله داستان نداشت

جانی و پخش کننده موسیقی

جانی دائماً در مورد به دست آوردن یک پخش کننده موسیقی فکر می کرد. یک روز ، او دیر به کلاس آمد. او با سرعت از

سالن پایین آمد اما وقتی کوله پشتی را روی زمین دید متوقف شد. او به داخل نگاه کرد و چیزی جز چند کتاب نیافت.

دستش را به داخل کیف رساند و یک چیز کوچک را از پایین احساس کرد. این یک پخش کننده موسیقی بود که در یک جعبه

سیاه محصور شده بود! جانی تمایل به صداقت داشت و هیچ دلیل موجهی برای گرفتن دستگاه نداشت. با این حال ، تمایل

او به این بازیکن در تصمیم او تأثیرگذار بود. جانی حیله گر بود. او دستگاه را داخل کوله پشتی خودش قرار داد. وقتی به

کلاس رسید ، کیف را به استادش داد. او گفت: "من این را پیدا کردم." خانم جانسون پرسید: "آیا این کوله پشتی متعلق به

کسی است؟" دختری به نام لیندا

کیف را ادعا کرد. لیندا به داخل نگاه کرد و فریاد زد: "پخش کننده موسیقی من

گم شده است! جانی آن را گرفت! "جانی جواب داد: "من این کار را نکردم. "لیندا پاسخ داد: "تو تنها کسی بود که به آن دسترسی داشتی! اگر نسخه شما از داستان درست باشد، به خانم جانسون اجازه می دهید کیف شما را چک کند. "جانی وقتی متوجه مشکل قریب الوقوع خود شد، شروع به تعریق کرد. کیف خود را محکم گرفت.

خانم جانسون کیف را از جانی گرفت. در داخل او بازیکن را پیدا کرد. "جانی، من هرگز انتظار نداشتم

این نوع رفتار شما، "او گفت: "شما همیشه چنین دانش آموز خوبی بوده اید. "

خانم جانسون بازیکن را به لیندا داد. لیندا گفت: "خانم جانسون، ببین!" در امتداد یک طرف ترک وجود داشت. او آن را به حالت "روشن" تبدیل کرد، اما کار نمی کرد. حتماً در حالی که جانی خیلی محکم کیف را نگه داشته بود، پنهان شده بود. خانم جانسون به والدین جانی زنگ زد. آنها بسیار ناراحت بودند. آنها گفتند: "سرقت غیرقانونی است. شما هیچ احترامی برای قانون ندارید. "ما برای شما یک دستگاه پخش موسیقی خریداری کردیم، اما آن را به لیندا می دهیم. این جایگزین دستگاهی می شود که شما خراب کردید. "در پایان، رفتار بد جانی باعث شد که او هیچ کاری نداشته باشد.